

## نقش دولت آلمان

# در ایجاد صنایع نظامی و تسلیح ارتش

## در دوره رضاشاه

محمود دلفانی

فعالیت در صنایع تسلیحاتی.

و - دخالت کشورهای انگلستان و روسیه و استفاده از اهرمهای فشار و ایجاد موانع در راه توسعه این صنایع براساس سیاستهای منطقه‌ای خود.

عوامل ذکر شده کمابیش در دوره‌های مختلف پادشاهی قاجار منشأ اثر بود. و از این رو در اواخر همین دوره پیشرفت مشخص و قابل اعتنایی در زمینه ایجاد صنایع نظامی صورت نگرفت. این امر در مقایسه تطبیقی با اقدامات اصلاحی رضاخان سردار سپه مشخص تر می‌گردد. اساساً صنایع نظامی و تسلیحاتی ایران در اواخر قاجاریه که از چند کارخانه باروت‌سازی و توپ‌ریزی تشکیل شده بود، به هیچ وجه نمی‌توانست به عنوان زمینه و بنیاد ایجاد صنایع نظامی نوین و پیشرفته به کار گرفته شود. در این میان باید در اطلاق اصطلاح «صنایع نظامی و تسلیحاتی» بر تعداد محدودی کارخانه که کارایی اندکی داشتند احتیاط نمود، چه، اساساً صنایع نظامی دارای بنیادهایی است که برجسته‌ترین ویژگی آنها عبارتند از:

- الف - تکیه صنایع نظامی بر پژوهش و تحقیقات صنعتی و بیافته‌های علمی.
  - ب - وجود کارخانه‌ها و صنایع تبدیلی که مواد اولیه را برای کارخانه‌های تسلیحاتی فراهم آورد.
  - ج - به‌کارگیری کارشناسان، افزارمندان و کارگران کارآمد در این صنایع.
  - د - ایجاد مؤسسات فنی پیرامونی براساس برنامه‌ریزی در عرصه کلان اقتصاد صنعتی.
- اینها ویژگیهایی بود که کارخانه‌ها و صنایع تسلیحاتی پیشرفته در اروپا دارا بودند. پرواضح است که وجود چند کارخانه باروت‌سازی،

فرجام ناگوار رویارویی سپاه صفوی با عثمانیان در جنگ چالدران (۹۲۰ ق.)، و پی بردن به کارایی سلاحهایی نظیر تفنگ و توپ در تعیین سرنجام کارزار، رویکرد ایرانیان در به‌کارگیری جنگ‌افزارهای آتشین را به دنبال داشت. با وجود پدید آمدن این ضرورت سیاسی و نظامی در دوره صفوی روند تولید تسلیحات نظامی پدید نیامد و دستیابی و استفاده از این نوع سلاحهای پیشرفته تنها در چارچوب خرید و واردات آن صورت گرفت. همین امر حمل حضور و نفوذ کشورهای اروپایی در ارتش و سیاست ایران گردید. اقدامات عباس میرزا و پس از آن میرزاتقی‌خان امیرنظام (امیرکبیر) و ... تکاپوهای پراکنده‌ای بود که به هیچ وجه نمی‌توانست تکافوی نیاز تسلیحاتی سپاه چند پارچه و نابسامان ایران را بدهد.

به نظر می‌رسد علل چندی باعث عدم ایجاد یا وقفه در تشکیل صنایع نظامی در دوره قاجار شد که مهم‌ترین آنها عبارت بودند از:

- الف - فقدان سیاست‌گذاری‌های اصولی در زمینه نظام و صنایع تسلیحاتی از سوی حکومت‌های وقت.
- ب - نبود زیرساختهای اقتصادی و فقدان فن‌آوری متناسب با ایجاد این صنایع و تولید تسلیحات پیشرفته.
- ج - چندگانگی در سازمان نظامی ایران مانند «بریگارد قزاق»، «ژاندارمری» و ... که هر کدام دارای سلاح سازمانی مستشاران نظامی خارجی بودند.
- د - سهولت دستیابی به تسلیحات نظامی پیشرفته از طریق تجارت اسلحه (به دلیل موقعیت جغرافیایی ایران).
- ه - نبود نیروی انسانی در زمینه‌ها و مراحل مختلف ایجاد، توسعه و



مهمات‌سازی، زین و یراق‌سازی و ... که یادگار اصلاحات امیرنظام در دوره صدرارش بود، نه تنها دارای این ویژگیها نبود بلکه حتی نمی‌توانست پایه و بنیاد کارآمدی برای شروع و گسترش صنایع نظامی در روند اصلاحات ارتش نوین باشد. ارتش نویسی که در دوره رضاشاه، در ۱۳۰۳، ایجاد شد بعدها دارای واحدهای نظامی و بخشهای جدیدی گردید که تا آن زمان در قشون ایران بی‌سابقه بود. مانند نیروی هوایی، نیروی دریایی، واحدهای رزمی و مکانیزه، ضد‌هوایی و جنگ‌افزارهای شیمیایی.

طبیعی است که تأمین تسلیحاتی و لجستیکی و تولید ملزومات این بخشهای تازه به هیچ‌وجه در توان قورخانه کوچک موجود، نبود و در پی این اصلاحات نظامی، ضرورت برنامه‌ریزی به منظور رشد صنایع نظامی احساس می‌شد.

این دگرگونی که در ساختار ارتش ایران پدید آمد به برخی مؤسسات صنعتی و سازمان لجستیکی و مراکز حفظ و نگهداری جنگ‌افزارهای پیشرفته نیاز داشت. فقدان این بنیادهای نظامی، رویکردی همه‌سویه به کشورهای قدرتمند اروپایی را در زمینه واردات تسلیحات و ایجاد صنایع نظامی به دنبال داشت، و در واقع هرگونه بررسی درباره ارتش ایران در دوره پهلوی اول می‌بایست در تعامل با اقدامات دو جانبه ایران و کشورهای اروپایی بررسی شود. چه، روند تسلیح ارتش، ایجاد کارخانه‌های تسلیحاتی و روشهای آموزشی نظامی و ... در همین راستا صورت می‌گرفت.

در واقع یکی از ویژگیهای ساختاری ارتش ایران که خود باعث پدید آمدن ضعفهای متعدد در درون ارتش شد، حضور و نفوذ عوامل و مستشاران در ارتش بود که ناهماهنگی و ناهمگونیهای اساسی را به دنبال داشت. کشورهای روسیه، انگلستان، فرانسه و آلمان، هر یک در طول سالیان متمادی پس از جنگهای ایران و روس، در بازسازی، برنامه‌ریزی، آموزش و تسلیح ارتش ایران نقش بسزایی داشتند. حضور مستشاران نظامی و نقش کشورهای خارجی در ایجاد صنایع نظامی در دوره رضاشاه نیز همچنان ادامه یافت و حتی بر شدت و تنوع حوزه‌های آن نیز افزوده گشت. این مسأله حتی در هنگام به قدرت رسیدن رضاخان نیز مشخص است؛ بدین صورت که «سر پرسی لورن» دولت انگلستان را بر آن داشت تا ارتش رضاخان را به تدارک تجهیزات اضافی (به‌ویژه توسعه‌های مورد استفاده در مناطق کوهستانی) و ادار نماید و درخواست کرد که اعتباری جهت خرید کامیون، هواپیما و نفربرهای زرهی انگلیسی در اختیار رضاخان قرار گیرد»<sup>(۱)</sup>.

در این مقاله در نظر است که اختصاراً به نقش دولت آلمان در تسلیح ارتش رضاشاه و ایجاد صنایع نظامی پرداخته شود، چه برخی مورخین بر این قول‌اند که همکاری و تشریک مساعی ایران و آلمان به‌ویژه در زمینه نظامی باعث واکنش متعین و اشغال ایران در شهریور ۱۳۲۰ گردید. اگر این دیدگاه درست باشد و می‌بایست صنایع تسلیحاتی ایران و خرید و واردات جنگ‌افزارهای نظامی تحت‌نظر و تنها از طریق آلمان صورت گرفته باشد.

طرح بنیادی مقاله حاضر. الف) ارائه تاریخچه مختصری از همکاریهای نظامی ایران و آلمان در دوره رضاشاه (با ذکر آمار) و ب) بررسی سؤال اصلی پژوهش که آیا سطح همکاریهای نظامی ایران و آلمان در آن حد بوده که بتوان: ۱) ارتش ایران را به لحاظ سازمان نظامی و

تشکیلات و تسلیحات، تحت‌نظر و تأثیر کامل آلمان دانست و ۲) آیا این همکاری به گونه‌ای بوده که دلیل واقعی حمله متعین به ایران باشد؟ باید در نظر داشت که نقش کشور آلمان در این روند دارای اهمیت بسیار است، و در واقع رشد و گسترش نسبی ایران در صنایع نظامی تماماً «مدیون یاریهای تکنیکی آلمان»<sup>(۲)</sup> بوده است. به همین دلیل، به طور مختصر، به اقدامات کشور آلمان در این زمینه می‌پردازیم با عنایت به این مسأله که با بررسی آن نکات ذیل روشن‌تر می‌گردد:

الف - ماهیت و ویژگی و کارایی صنایع نظامی ایجاد شده در ارتش ایران.

ب - رویه و سیاستهای دولت ایران در راستای تقویت بنیه نظامی کشور.

ج - جایگاه ویژه یک کشور خارجی (آلمان) در روند اصلاحات نظامی رضاشاه.

د - تأثیرات این رابطه در عرصه بین‌المللی و روابط خارجی ایران.

ه - واکنش سایر کشورهای اروپایی در این زمینه.

سابقه همکاری نظامی ایران و آلمان در زمینه تأسیس کارخانه‌ها و صنایع تسلیحاتی، و پیشی گرفتن این کشور نسبت به سایر دول رقیب، به

سالهای پیش از جنگ جهانی اول برمی گردد که در سال ۱۳۲۰ ش. این همکاری دچار وقفه گردید.<sup>(۳)</sup>

در اواخر دوره قاجار شاهد معاملات اسلحه و تجهیزات نظامی بین ایران و آلمان هستیم. در دوره ریاست «مرگان شوستر»، مستشار آمریکایی، خزانه داری کل ایران برای تقویت ژاندارمری که بازوی اجرایی خزانه داری تلقی می شد سفارش خرید «۵۰۰۰ قبضه تفنگ» که تنها «موضوع فقط یک دوسیه» را بود به کشور آلمان می دهد.<sup>(۴)</sup>

در سال ۱۳۳۶ ق. در یک مورد معامله ای با یک کارخانه اسلحه سازی در برلن موسوم به «دویچ وانن اوند مونی سین»<sup>\*</sup> صورت گرفته که حجم آن بالغ بر ۲۸۹۳۵ مارک بوده است<sup>(۵)</sup> و در همان سال با تقاضای خرید «۶۰۰۰ قبضه تفنگ، سه میلیون فشنگ تفنگ، اسباب توپ، یک میلیون فشنگ توپ، ۳۰۰۰۰۰ فشنگ پنبه ای برای توپ و آلات و ادوات تعمیر توپ و تفنگ<sup>(۶)</sup>» از آلمان روبه رو هستیم.

پیش از جنگ جهانی اول هم، دو تبعه آلمانی مستشار ارتش ایران اصلاحاتی به عمل آوردند، یعنی ژنرال «گوست ورت» (Werth) که در دو بخش مهمات سازی و ماکس هس (Max Haasc) که واحد مسلسل را برای نخستین بار در ارتش ایران بنیاد نهاد، فعالیت می کردند.<sup>(۷)</sup>

یکی از دلایل تمایل دولت آلمان در مشارکت با دولت ایران در زمینه های تسلیحاتی، پس از جنگ جهانی اول برخاسته از شرایط و محدودیتهای این کشور به ویژه تحدید شدید تسلیحاتی پس از انعقاد قرارداد ورسای (۱۹۱۹ م)، میباشد. تنگناهای متعددی که برای صنایع نظامی آلمان پدید آمد بسیار شدید و بازدارنده بود، بدین معنی که حتی جلوی «مدل سازی تسلیحاتی<sup>(۸)</sup>» نیز از دولت آلمان گرفته شده بود.

پامدهای این تحدید تسلیحاتی به طرز خاصی در «صنایع نظامی و سازمان اقتصاد غیرنظامی آلمان» مانند «صنایع هواپیماسازی» نمایان گردید. دولت آلمان در این زمان با دو مسأله مهم روبه رو بوده است: نخست حفظ و توسعه صنایع نظامی، دوم فراهم آوردن امکان و زمینه رقابت با رقبای اروپایی.

با توجه به این نکات، اقدام دولت آلمان در انتقال صنایع غیرنظامی و نظامی خود، مانند صنایع هواپیماسازی، اسلحه سازی و ... به دیگر کشورها. قابل توجیه است، چه، حتی «اگر آلمان به طور سری کاری انجام می داد باید در کشورهای خارجی آن را آزمایش کند».<sup>(۹)</sup> بنابراین باید در نظر داشت ایران در این زمان به عنوان یکی از امکانهای ادامه حیات اقتصاد نظامی آلمان، پس از شوروی - که روابط بسیار خوبی با جمهوری وایمار داشت - مطرح بوده است.

آنچه که باعث می گردید که همکاری نظامی بین ایران و آلمان شکل بگیرد در چند محور قابل بررسی است:

۱) تلاش حکومت رضاشاه در تقویت نظامی ایران که لزوماً توجه آن را به کشورهای پیشرفته از لحاظ نظامی معطوف می داشت.

۲) ادامه سیاست رویکرد و یافتن «نیروی سوم» که از دوره قاجار هم سابقه داشت.

اما، قرار گرفتن آلمان در جایگاهی که اتکای نظامی و تسلیحاتی ارتش ایران باشد با مشکلاتی روبه رو بود.

چنانکه «احمد مهرداد» بر این عقیده است که «علی رغم این که در اوایل دهه بیست میلادی در بین توده های مردم ایران تمایلات ضدانگلیسی شایع

بود ولی هنوز برای آلمان کار ساده ای نبود که بتواند در ایران از نقطه نظر نظامی جای پای خود را محکم نماید».<sup>(۱۰)</sup>

به نظر می رسد عواملی چند مانع از پدید آمدن روابط گسترده تر نظامی بین ایران و آلمان، به ویژه در امر خرید تسلیحات و آموزش نظامی می گردید:

۱- وجود تسلیحات و الگوی آموزشی و سلاحهای سازمانی کشورهای اروپایی به ویژه تسلیحات فرانسوی در ایران.

۲- اعزام دانشجویان علوم نظامی به کشورهای اروپایی و تأثیر الگوی آموزشی نظامی و تسلیحاتی هر یک از آنان.

۳- وجود افسران عالی رتبه ارتش، که در فرانسه و انگلستان و سپس آموزش دیده بودند، و متأثر از سازمان نظامی آن کشورها فعالیت می نمودند.

۴- وجود نیروهای نظامی با سازمان و تشکیلات کاملاً متفاوت در بیکرة ارتش ایران، که در جای خود باعث ناهمگونی در برنامه ریزی و خرید تسلیحات می شد.

۵- وابستگی تسلیحاتی ارتش ایران به کشورهای فروشنده اسلحه و رقابت در این زمینه.

۶- عدم اقتدار و ثبات سیاسی - نظامی آلمان در سالهای نخستین پس از جنگ جهانی اول.

۷- عدم اطمینان دولت ایران به برقراری جریان ثابت خرید تسلیحات با آلمان و حفظ روابط نظامی.

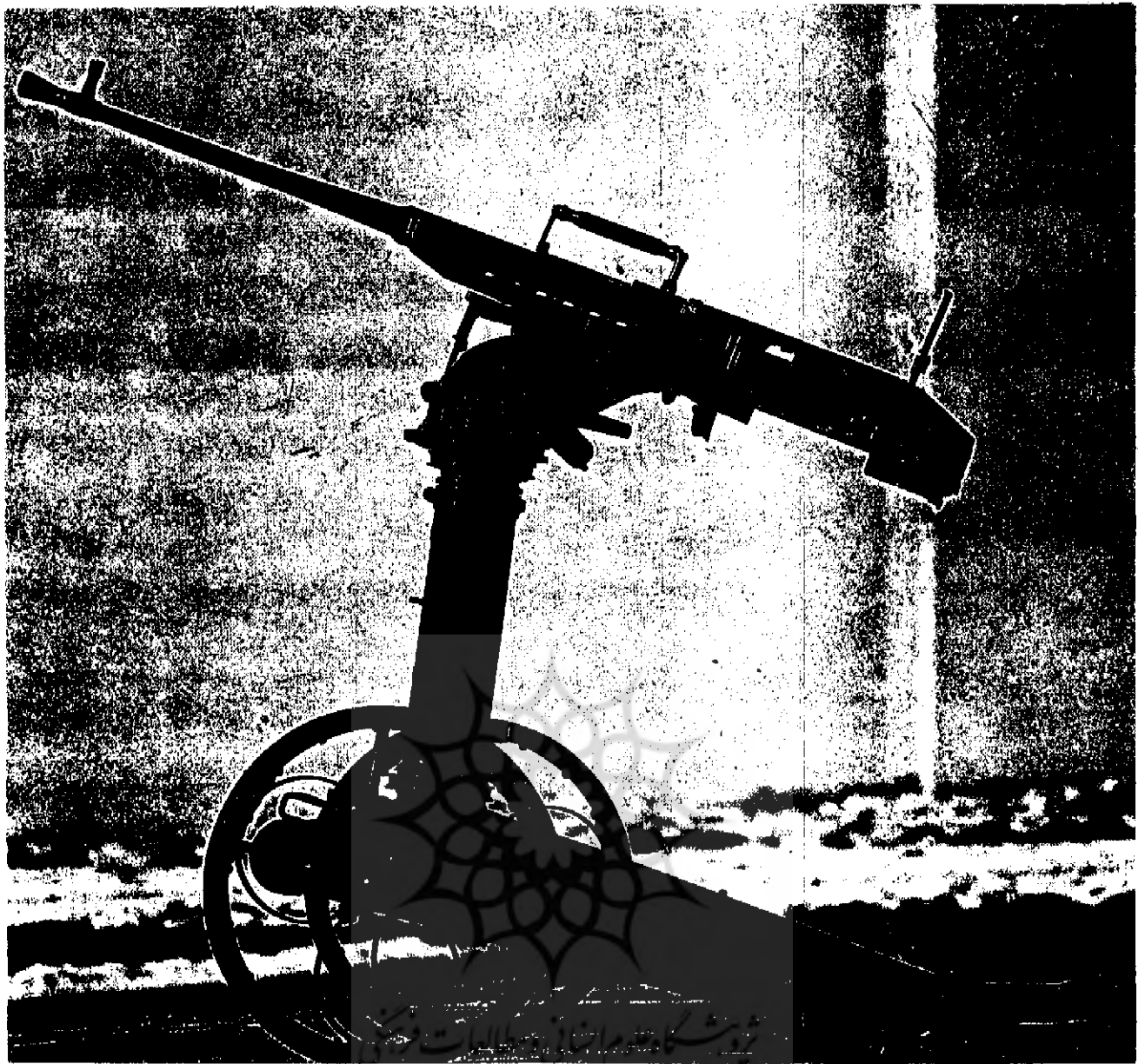
۸- فشار دولتهای متفق بر شوراهائی که پس از جنگ جهانی اول طرف معامله تسلیحاتی با آلمان می شدند.

رد پیشنهاد ورود معلمان علوم نظامی از آلمان در سال ۱۳۰۱ ش. را شاید بتوان تصمیمی برخاسته و متأثر از عوامل فوق تلقی کرد. ولی با تلاشهای سرهنگ ارفع، فرستاده ویژه رضاخان سردار سپه، برای خرید سلاح در اروپا، آلمانیها توانستند در ایجاد زرادخانه ایران فعالیت بسیاری به خرج دهند و جای پای آلمان را در صنایع نظامی ایران باز کنند.<sup>(۱۱)</sup> در همین راستا، انعقاد قرارداد ۱۳۰۱ ش بین ایران و آلمان، که براساس آن «نه تنها کامیونهای نظامی بلکه تأسیس یک تعمیرگاه برای آنان نیز زیر نظر یک آلمانی»<sup>(۱۲)</sup> در نظر گرفته شده بود، اقدام مؤثری تلقی می گردد.

در اقدامی دیگر، در سال ۱۳۰۳ ش، با ورود کارشناسان آلمانی، برای اولین بار در ایران به منظور تأسیس زرادخانه این حرکت ادامه یافت. در این مبارزه نقش «هارتمن» به عنوان مدیر فنی و سرهنگ «هس» به عنوان رئیس قسمت مسلسل قابل توجه است. رضاخان نیز در همین سال، به عنوان سردار سپه و وزیر جنگ، به صنایع نظامی آلمان سفارش یک ماشین ضدگلوله داد.

البته این تماسها به این مرحله محدود نشد و به واسطه محروم بودن ایران از مهمات کافی، اولین اقدام در جهت تهیه ملزومات نظامی صورت پذیرفت. در این دوران که آلمان شکست خورده جنگ بین الملل اول بود، و روسیه نیز در التهاب دوره پس از انقلاب به سر می برد، تهیه اسلحه از کشور آلمان با مشکل جدی مواجه بود و سرلشکر «اسماعیل خان شفیعی»

\* - به صورت «دویچ وارنن اونگ موبین» هم در اسناد نوشته شده است.



عقیده داشت که دستگاههای تولیدی مادر (عمده) را، به واسطه رکود اقتصادی حاکم بر آن کشور، پس از جنگ جهانی اول نمی توان به کشورهای خارجی صادر کرد. اما در عین حال دولت آلمان حاضر بود کارخانه‌هایی که تولیداتشان دیگر یارای رقابت با فرآورده‌های سودآور ملی و غیرملی نداشتند به ایران بفروشد و به این ترتیب آلمان سعی کرد با حراج دستگاههای تقریباً از رده خارج و همچنین تأسیسات غیرقابل استفاده برای مصارف داخلی خود را با سودی مناسب به ایران بفروشد.<sup>(۱۶)</sup>

الته باید در نظر داشت که بین تصمیم انتقال صنایع نظامی آلمان به ایران (که در صفحات پیشین اشاره شد) با عدم انتقال صنایع مادر تناقض وجود ندارد، چه اولاً انتقال صنایع نظامی از ابتدا هم در سطح انتقال

که از تهیه ملزومات نظامی در «مسکو» طرفی نیسته بود با نظر رضاشاه راهی آلمان گردید و «با تحمل زحمات زیاد و مواجه شدن با خطرات جانی پس از شش ماه مقدار لازم فشنگ و تفنگ و مسلسل به ایران فرستاده»<sup>(۱۳)</sup> بعدها وقتی که سرلشکر شفایی به ایران بازگشت، رضاشاه به وی گفت: «آن تفنگها و فشنگهای تو مرا نجات داد و برنامه‌های اولی من عملی گردید».<sup>(۱۴)</sup>

بعدها صنایع نظامی آلمان بیشتر مورد توجه قرار گرفت، به صورتی که «به دستور رضاشاه و پیشنهاد «هارتمن» حتی قرار بود که تأسیساتی که در آلمان از رده خارج شده بود ولی در عین حال برای صنایع نظامی ایران مفید وارد شود»<sup>(۱۵)</sup> برداشت هر یک از طرفین معامله کاملاً متفاوت بود. از طرفی «دولت آلمان در جواب علاقه وافر ایران به صنایع نظامی خود

کارخانجات فشنگ‌سازی و باروت‌سازی بوده، نه صنایع مادر یا تبدیلی، نایباً اساساً انتقال صنایع مادر نه فایده و نه امکان داشت، چراکه صنایع مادر نیازمند کارخانجات و صنایع پیرامونی و واحدهای صنعتی خاص می‌باشد که ایران فاقد آن بود. البته همین میزان نیز برای دولت ایران مغتنم بود. تلقی دولت ایران که می‌دانست کشورش فاقد هرگونه زیرساخت اقتصادی و صنعتی پیشرفته است از ورود این دستگاهها، با وجود فرسودگی، خوشبینانه بود چرا که از دیدگاه آنان سنگ پایه صنعتی‌سازی ایران و رسیدن به کشورهای مترقی می‌شد. این امر به‌ویژه در بخش نظامی قابل توجه است. اقدام به تأسیس کارخانجاتی که نوعاً انگلیسی و آلمانی بودند مؤید این سخن است.<sup>(۱۷)</sup>

با وجود این تمایل، چه به لحاظ نیروی انسانی ماهر و چه به لحاظ فنی، ایران فاقد امکان و توان بهره‌وری بهینه از این مؤسسات بود. از این رو، ناگزیر روند صنعتی‌سازی نظامی و ایجاد کارخانجات اسلحه‌سازی به دست خارجیان سپرده شد. در اینجا نیز ردپای آلمانیها مشخص است. هارتمن<sup>(۱۸)</sup> مستشار آلمان در این راستا برنامه استخراج معادن ایران را برنامه‌ریزی و طراحی کرد. از چارچوب این طرح و چگونگی برنامه‌ریزی آن آگاهی نداریم، با این حال، به نظر می‌رسد برنامه‌ریزی برای استخراج معادن ایران از سوی ایران و آلمان منافع قابل توجه دو طرفه‌ای را در پی داشته است. طرح استخراج معدن بخشی از برنامه مستشار آلمانی برای ایجاد مواد اولیه جهت صنایع مادر در بخش صنایع نظامی بود، زیرا که در طرح وی کارخانجات تبدیلی نیز پیش‌بینی شده بود. وی با شناسایی و ارائه طرح استخراج معادن روی و مس و ... در نظر داشت به صورتی بنیادی صنایع نظامی ایران را سامان دهد. از سوی آلمان نیز با این سرمایه‌گذاری، به ویژه این که در جریان پرشتاب بازیابی اقتصادی و صنعتی آلمان قرار می‌گرفت، هم رای بود. و اساساً برنامه هارتمن و مأموریت وی در راستای تقویت بنیه نظامی ارتش ایران و گرفتن سفارش برای صنایع نظامی آلمان تعریف می‌گردد.

با پدید آمدن وقفه در روابط ایران و آلمان در سال ۱۳۱۱ش، بر اثر تبلیغات ضد رضاشاه توسط دانشجویان مخالف حکومت ایران مقیم آلمان، روابط اقتصادی و نظامی در کشور با رکود مواجه گشت، به طوری که، «هارتمن که حدود یک سال بدون قرارداد در ایران کار می‌کرد، سه روز مهلت یافت که زرادخانه (ایران) را تحویل دهد. در این راستا تمام آلمانیهایی که هنوز قراردادهایشان استوار نبود به بهانه این که تقاضای دستمزد بیشتری کرده بودند از ایران اخراج شدند»<sup>(۱۹)</sup>. مشخص نیست که پس از این حادثه اداره زرادخانه ایران به چه کسی واگذار شد؛ اما شدت واکنش ایران بدان اندازه بود که مأموریت سرهنگ ارفع که در سال ۱۳۱۰ ش. جهت جذب و استخدام متخصص برای کارخانجات مهمات‌سازی «پارچین» و صنایع نظامی ایران به برلن رفته بود، لغو شد زیرا رضاشاه در آخرین لحظه دستور قطع مذاکره را صادر کرد.<sup>(۲۰)</sup>

با کوتاه شدن دست آلمان از صنایع نظامی ایران، مهمات‌سازی که بخش اصلی صنایع نظامی ایران بود همچنان تحت نفوذ سوئدیه‌ها، و اسلحه‌سازی، تحت نفوذ چکها، و فشنگ‌سازی تحت تسلط بلژیکها باقی ماند.<sup>(۲۱)</sup>

بهران ۱۳۱۰م/۱۳۱۰ش. در روابط ایران و آلمان پیامدهای متفاوتی را

برای طرفین به دنبال داشت. ایران با وقفه در روند تسلیح ارتش و تأسیس صنایع نظامی روبه‌رو شد. اما به نظر می‌رسد که برای اقتصاد آسیب‌دیده از جنگ آلمان این حادثه ناگوارتر بود چرا که اکثر کارخانجات نظامی دیگر سفارش و طرح قراردادی از هارتمن دریافت نمی‌کردند. مهرداد، با استفاده از اسناد و مدارک آرشیو آلمان، دیدگاه آنان را در مورد علل ایجاد بحران و تأثیر آن را چنین بیان می‌کند: «صنایع آلمانی در آن زمان قسمت بزرگی از شکستهای شرکتهای آلمانی در ایران را متوجه خریدار اسلحه، یعنی سرهنگ ارفع، می‌نمودند که با رفتار ضد آلمانی خود کارخانه‌های چک را به آلمانی ترجیح می‌داده»<sup>(۲۲)</sup>

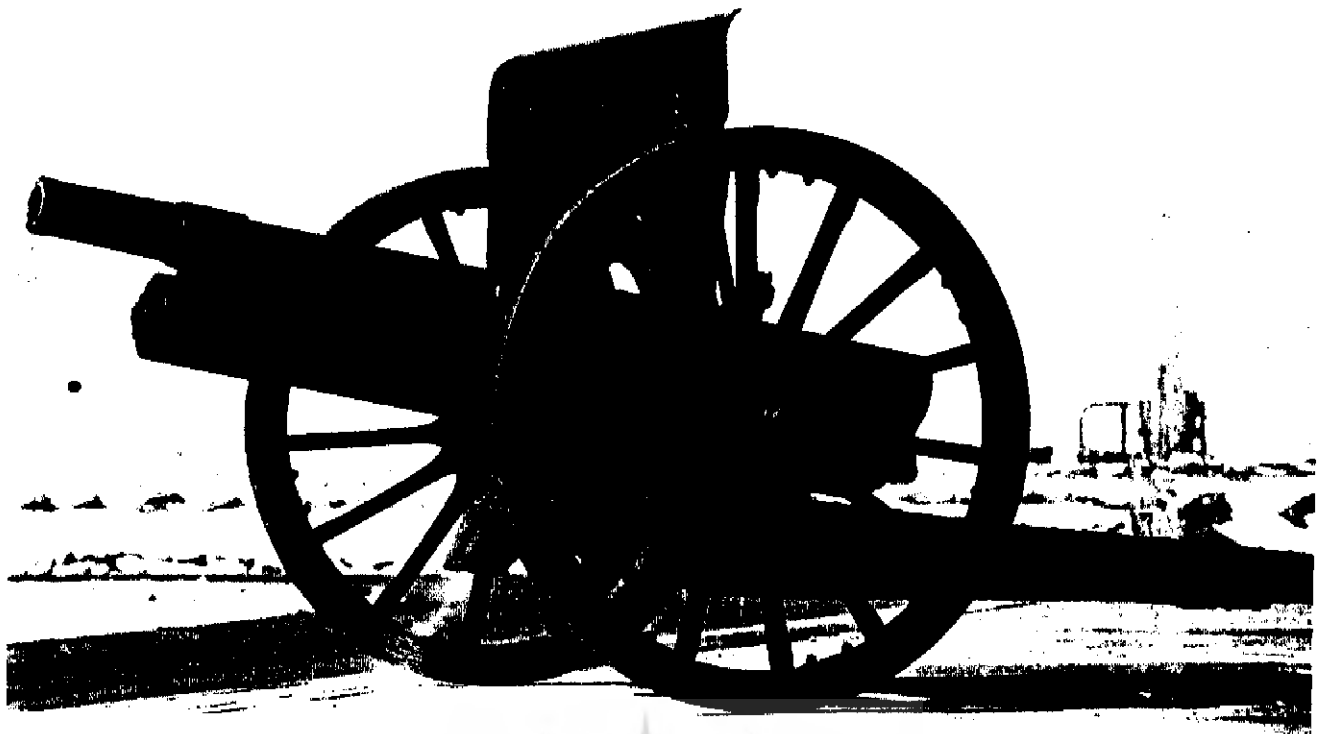
مأموریت ارفع برای هر دو کشور مهم بود. ارتش ایران تمایل به سلاحهای آلمان نظیر «ماوزر» و ... داشت که در سال ۱۹۳۰ وی برای خرید ۱۰۰۰۰۰ تپانچه ماوزر وارد آلمان شد.<sup>(۲۳)</sup> آلمان در مقایسه با سایر کشورها، مانند بلژیک، این سلاح را ارزان‌تر می‌فروخت. از یک سو، مأموریت اسماعیل خان در انعقاد قرارداد با شرکت آلمانی «ورنر» در پائیز ۱۹۳۲م/۱۳۲۰ش. را که در آن ایران تعدادی تفنگ به ارزش ۲ میلیون ریال را از آلمان خرید و همچنین به کارگیری ده نفر کارشناس نظامی این کشور در صنایع نظامی ایران و ادامه این روند، برای آلمانیها بسیار بااهمیت به نظر می‌آمد. در واکنش به بحران ۱۹۳۲م/۱۳۱۰ش. بود که شرکت «اشتتن» و «هایمن» به وزارت خارجه آلمان مراجعه و درخواست می‌کنند که سفارت آلمان در تهران جلوی خرید اسلحه ماوزر از بلژیک را بگیرد.<sup>(۲۴)</sup>

البته در سال ۱۳۱۷ دولت ایران محرمانه مذاکراتی با شرکت سهامی «فرشتال آلمان» برای خرید کارخانجات فشنگ‌سازی به صورت مناقصه، با نماینده تجاری آلمان صورت داد که ظاهراً به نتیجه‌ای نرسید اما در همان سال اقدامی دیگر برای خرید تسلیحات نظامی صورت گرفت. سرتیپ نخجوان، معاون وزارت جنگ در این باره به وزارت مالیه نوشت «برای تهیه یک مقدار ماشین و لوازم جهت کارخانجات فشنگ‌سازی به وسیله هیأت بازرسی اسلحه، پیشنهاد با ارزش از کارخانه ورنر آلمان دریافت و مراتب که از شرف عرض پیشگاه اعلیحضرت همایون شاهنشاهی گذشت فرمودند توسط وزارت مالیه به نمایندگان تجارتی آلمان گفته شود کارخانجات چه قیمت‌های گزافی را پیشنهاد می‌کنند»<sup>(۲۵)</sup>

با وجود معاملات کلانی که پیش‌تر به آن اشاره شد، از سفارشهای شوستر گرفته تا سرهنگ ارفع، مهرداد معتقد است که «از ثمرات مذاکرات بین وزارت جنگ ایران و صنایع نظامی آلمان مردم این کشور بهره نمی‌بردند، به این خاطر که صادراتی از این نوع، کمک چندانی برای رفع بیکاری که در آلمان فراگیر بود نمی‌کرد، از طرف دیگر این معاملات باعث شد که صنایع نظامی آلمان در زمان حکومت ناسیونال سوسیالیستها، میوه‌های این قراردادها را بچینند»<sup>(۲۶)</sup> اما مهرداد اشاره نمی‌کند که پیامد این روابط نظامی برای ایران به مراتب ناگوارتر بود زیرا در اثر عقد این قراردادها و گسترش روابط دو جانبه:

الف - عملاً امکان و احتمال وارد شدن ایران به عرصه جنگ جهانی دوم و اشغال ایران توسط متفقین قوت می‌گرفت.

ب - وارد ساختن تأسیسات و کارخانجات فرسوده و از رده خارج نظیر کارخانجات فشنگ‌سازی و باروت‌سازی و هواپیماسازی نه تنها



هم قریب بیست روز دیگر خواهد رسید» (۲۹).

با گذشت زمان، حجم سلاحهای وارداتی بیشتر شد تا جایی که به عنوان نمونه وجوه پرداختی خرید تسلیحات از ۲۶ بهمن ۱۳۱۰ تا خرداد ۱۳۱۱ بالغ بر ۱۰۳۳۷۷۶ لیره<sup>(۳۰)</sup> شد و از اول تیرماه تا شهریور ۱۳۱۱ به ۱۲۲۶۳۹۲ لیره، رسید که حجم بسیار آن به خرید از کشور آلمان اختصاص داشت. (۳۱)

رضاشاه پس از ساختن و پرداختن کارخانه نظامی پارچین و سلطنت آباد و مسلسل سازی و آوردن کارخانجات کوچک هواپیما سازی و تکمیل کارخانه جنگی قورخانه که در مرکز شهر تهران قرار داشت میل داشت فعالیت خود را هر روز توسعه دهد و منظور دیگر او «وارد کردن کارخانه شماره ۵۱ و ننگ که مخصوص ساختن ماسک ضد گاز خفه کننده بود که عملی گردید»<sup>(۳۲)</sup> البته طرح ایجاد کارخانجات ذوب مس و ذوب آهن نیز به عنوان «صنایع مادر» در این برنامه گنجانده شده بود.

این طرحها هیچ یک به تمامی اجرا نشد. رضاشاه «با وجودی که دریافته بود تسلیحات نیمه سنگین و موتوریزه کردن تجهیزات ارتش ناکافی است با این همه عقیده داشت که نیروهای نظامی اش پیشرفته و کارآمد هستند، البته بنیانهای عقیده ای که داشت بسیار محدود می نمود»<sup>(۳۳)</sup>.

ارتشی که رضاشاه تأسیس کرده بود در مقایسه با قوای نظامی و صنایع تسلیحاتی دوره قاجار پیشرفته تر و کارآمدتر بود، اما به هیچ وجه در سطح ارتشهای اروپایی نبود. در واقع ارتش و صنایع نظامی ضعفهای ساختاری بسیاری داشت که در هر مرحله از تسلیح ارتش موانعی را ایجاد می کرد،

کمکی به اقتصاد و صنایع ایران نکرد، بلکه با صرف مبالغی گزاف از یک سو فشار بسیار بر بدنه مالی ایران وارد و از دیگر سو، روند طبیعی رشد این صنایع را در مسیری دیگر قرار داد.

ج - وابستگی نظامی ایران به لحاظ تسلیحات و صنایع نظامی بیشتر گردید و از آن جایی که در دهه سی، آلمان کانون تحولات و التهابات سیاسی و اقتصادی و تغییر در مناسبات سیاسی بود وابستگی نظامی و تسلیحاتی آلمان، خواه ناخواه، ایران را متأثر از مناسبات سیاسی اروپا کرده که این امر اساساً از تحمل حکومت رضاشاه بیرون بود.

با این حال، حکومت ایران ناگزیر بود تا ایجاد بنیادهای صنایع نظامی، اقدام به خرید سلاح و تجهیزات و کارخانجات نظامی نماید و این روند تا پایان دوره رضاشاه نیز مشهود است.

روند شتابنده فن آوری نظامی کشورهای اروپایی به گونه ای بود که همواره کشورهای نظیر ایران را که فاقد ساختارهای اقتصاد نظامی بودند نیازمند خود می نمود. با وجود این، رضاشاه اصرار داشت که «احتیاجات کوچک و ضروری ارتش از قبیل تهیه تفنگ و مسلسلهای سبک و مواد شیمیایی و غیره را در داخل مملکت برطرف سازد»<sup>(۳۴)</sup> در این راستا تلاشهای نسبتاً گسترده ای صورت گرفت. تسلیحات از راههای گوناگون، من جمله از طریق روسیه، وارد ایران می شد در گزارش حکومت گیلان و طوالتش به وزارت داخله در سال ۱۳۰۲ ش، می خوانیم «شب گذشته، هفتم سنبله ... دو فروند پراخود<sup>(۳۵)</sup> از آلمان وارد، محمولات یکی مال التجاره و دیگری اسلحه بوده. پراخود مزبور از کشتی که سابقاً آمده بزرگتر است. امروز اسلحه تماماً تحویل شده و با کاری به تهران حمل گردید ... و مابقی

کاستیهایی که بعضاً تا پایان این دوره نیز ادامه یافت. چند گونگی سلاحهای ارتش ایران و فقدان سلاحهای سازمانی، در نیروهای نظامی دوره قاجار کاملاً مشخص بود. به عنوان نمونه به نوع سلاح هسته‌های اصلی تشکیل دهنده نیروهای نظامی توجه می‌کنیم: «بریگارد قزاق، الف - مسلسل ماگزیم (آلمانی). ب - توپهای ۷۶ میلیمتری وایونف (روسی) و افاسیون (اتریشی) و شیندر ۷۵ میلیمتری (فرانسوی) ژاندارمری:

الف - تفنگهای پنج تیر کاراتبین (آلمانی) مدل ۱۸۹۶.

ب - تفنگهای مشقی انواع مختلف.

ج - مسلسل ماگزیم و توپ شیندر.

بریگارد مرکزی:

الف - تفنگ ورندل و لوبل و مسلسل ماگزیم و توپ شیندر (فرانسوی)

و چهارپوند (انگلیسی).

نیروهای ارتش:

الف - پنج تیر (روسی).

ب - پنج تیر (عثمانی).

ج - پنج تیر (آلمانی).

د - سرتیر بلند و کوتاه.

ه - ورندل و توپهای افاسیون و چهار پوند (انگلیسی). (۳۴)

ادامه یافتن چندگونگی تسلیحاتی در ارتش دوره رضاشاه، متأثر از عوامل سیاسی و بین‌المللی و تشکیلات ارتش بود. خریدهای متعددی از کشورهای چکسلواکی، بلژیک، فرانسه، آلمان، انگلیس و ... انجام گرفت. انعقاد قراردادهای مختلف و ... به سازمان «قشون متحدالشکل» که در سال ۱۳۰۰ ش. بنیاد نهاده شد لطمه وارد می‌ساخت. البته خریدهایی که در ابتدا انجام گرفت ضروری جلوه می‌کند به ویژه اگر با توجه به جدول ذیل، در نظر داشته باشیم که استعداد تسلیحاتی ارتش ایران چندان زیاد مهم نبوده است.

### اسلحه قشون متحدالشکل در ماه جدی ۱۳۰۰ ش

ردیف	لشکر	تفنگ	مسلسل	توپ	اسلحه کمری	ملاحظات
۱	۵ لشکر	۲۷۳۲۵	۶۶	۸۶	۱۶۳۷	

مجموع سلاحهای بریگارد قزاق که در آن زمان از کاراترین نیروهای نظامی ایران بود. در مقابل ایلات بسیار اندک است. به جدول زیر توجه می‌کنیم: (۳۵)

به خصوص که در جریان تجارت اسلحه که با حمایت حکومت مرکزی در بین ایلات رواج داشت. در درجه اول کمیت سلاحها برای برتری نظامی مورد توجه قرار گرفت. به عنوان مقایسه در سال ۱۲۹۹ق.

نوع اسلحه	تعداد نوع اسلحه	محل موجود
۱- مارتینی پیادی	۵۰/۰۰۰	در دست ایلات
۲- بردان	۱/۵۰۰	در دست بریگاد قزاق
۳- شاسپورت	۸/۰۰۰	در انبار (زاغه)
۴- گالین	۲/۰۰۰	در انبار (زاغه)
۵- تفنگهای مگزیم	۴/۰۰۰	در انبار (زاغه)
۶- تفنگهای مدرن	۴/۰۰۰	در انبار (زاغه)

برای آگاهی بیشتر می‌بایست نظری هم به ترکیب تسلیحات از نظر کشورهای سازنده انداخت. جدول ذیل انواع توپهای موجود در لشکرهای پنج‌گانه را مشخص کرده است: (۳۷)

صرفنظر از برتری کمی تسلیحاتی ایلات، باید در نظر داشت که «ایلات خود مختار نه تنها سلاحهای جدیدتری مجهز بودند، بلکه دو برابر پیاده نظام سلاح در اختیار داشتند. در عین حال تسلیحات کهنه و از کار افتاده پیاده نظام به دلیل فقدان مهمات تقریباً بلااستفاده مانده بوده (۳۶)

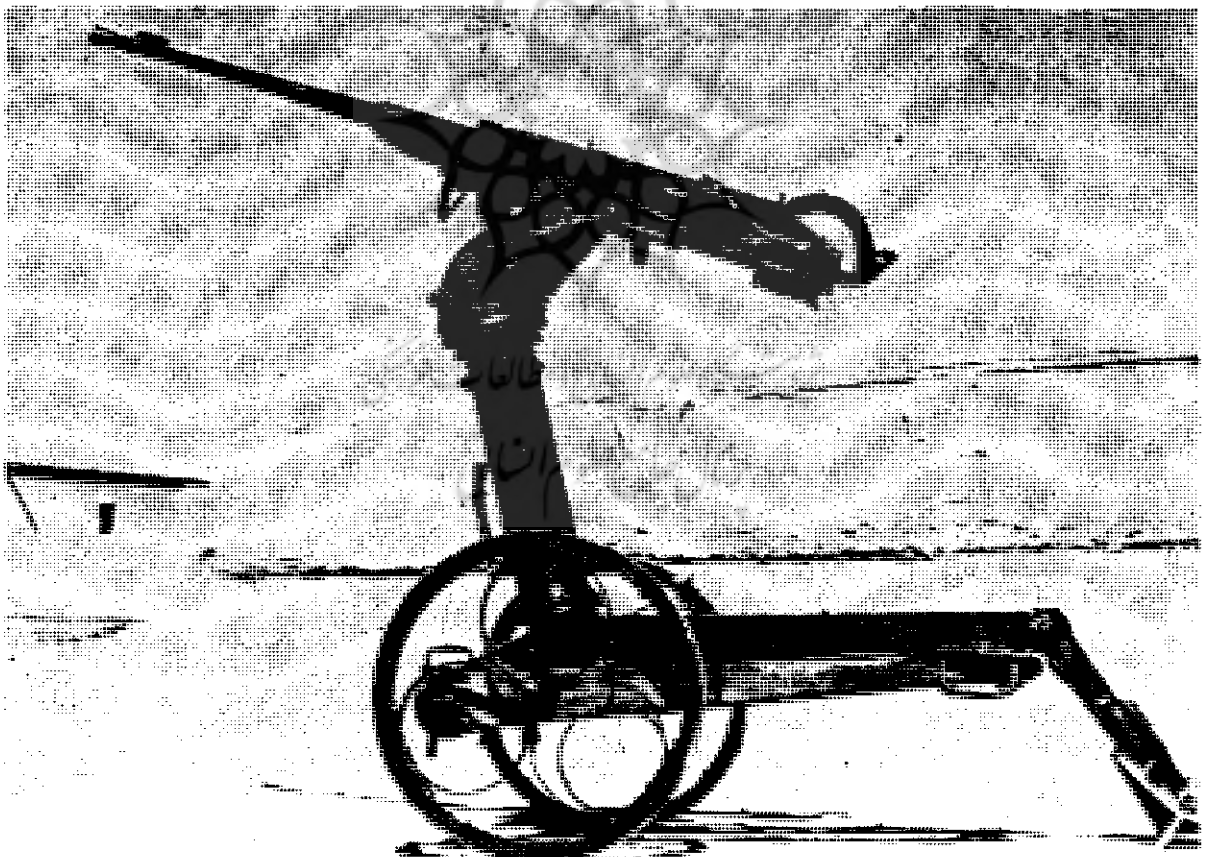
لشکر	اقسام توپ
مرکز	فرانسوی، انگلیسی، روسی، اتریشی
شمال غرب	فرانسوی، روسی
شرق	فرانسوی، انگلیسی
جنوب	فرانسوی، انگلیسی، روسی، عثمانی
غرب	فرانسوی، روسی، اتریشی

در واقع اوضاع سیاسی و نظامی و مالی این اجازه را نمی‌داد که تمام اهداف تسلیح ارتش جامه عمل بپوشد. در این مورد، مانند سایر زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و ... بسیاری از موارد، به صورت تصویب‌نامه و طرح تدوین و سپس با استفاده از ترکیب و امکانات موجود به ساخت آن مجموعه اقدام شد، و در اغلب موارد هم اهداف و برنامه‌ها با توان و بنیه مالی و نیروی انسانی اوضاع سیاسی و اقتصادی انطباق کامل نداشت.

بنابراین، رضاشاه برای تقویت بنیه تسلیحاتی و سازمان صنایع نظامی، سه راه در پیش گرفت:

نخست خرید سلاح و مهمات از کشورهای خارجی، دوم تأسیس کارخانجات نظامی، و سوم آموزش نیروی انسانی ماهر در این صنایع. مورد اول با اعزام نظامیان عالی‌رتبه با مأموریت انعقاد قرارداد

از نظر تشکیلات نظامی، قورخانه سومین بخش از قسمت فرماندهی وزارت جنگ بود که به ریاست نایب سرهنگ اسماعیل خان شفقایی اداره شد. وی در سال ۱۳۱۳ ش، مأمور خرید تانک و تجهیزات نظامی از کارخانجات «اشکودا» (چکسلواکی) و «بوفرس» گردید. در این مورد در





نامه‌ای محرمانه به وی ابلاغ شده بود: «اولاً زره تانک انتخابی بایستی قوی‌ترین زره بود و ثانیاً به قدری توانا باشد که بتواند از نشیبهای حداکثر عبور نماید.» در این خصوص رضاشاه به وی دستور داده بود که «سرتیپ اسماعیل خان شخصاً تانک منظور را در اراضی که عارضه شبیه به مملکت ایران در اروپا باشد (را) مورد امتحان قرار داده و فعلاً بیست تانک متوسط و بیست تانک کوچک خریداری و بعد از اخذ تخفیف ممکنه، قیمت آنها را راپورت دهد.» (۳۹)

گسترش قورخانه و جداسازی آن از لشکر مرکزی نشان‌دهنده اهمیت این بخش از تشکیلات نظامی ایران و توجه خاصی است که به آن می‌شده است. همانطور که گفته شد، تحقق این امر در سال ۱۳۰۲ ش، طی حکم قشونی به فرمان سردار سپه به شرح زیر ممکن گردید:

#### «ارکان حرب کل قشون، دایره تنظیمات» (۴۰)

ماده یک - قورخانه لشکر مرکز در تاریخ اول برج جوزای از لشکر مذکور منتزع و به عنوان دایره‌ای (جزو) ارکان حرب کل خواهد بود.  
ماده دو - تشکیلات قورخانه را از اول جوزای ۱۳۰۲ به قرار زیر مقرر می‌داریم:

- ۱- هیأت رئیسه
- ۲- دایره مهندسی
- ۳- دایره ملزومات
- ۴- شعبه افزارسازی
- ۵- دایره سوهانکاری
- ۶- دایره چرخکاری
- ۷- شعبه حدادی

- ۸- شعبه ریخته‌گری
- ۹- نجاری و قنطاق‌سازی
- ۱۰- اسلحه‌سازی
- ۱۱- باروت‌سازی
- ۱۲- فشنگ‌سازی
- ۱۳- ماشین‌خانه

مورخه دهم جوزای ۱۳۰۲

وزیرجنگ و فرمانده کل قشون سردار سپه - رضا»

به غیر از بخشهایی که آن هم در سطحی ناکافی بود سایر بخشها عملاً نمی‌توانست پشتیبانی لازم نظامی را صورت دهد. بنابراین راه‌اندازی و توسعه تشکیلات صنایع نظامی مطابق نیازهای ارتش ضروری می‌نمود که ارائه طرح آن نیازمند برنامه‌ریزی کارشناسان نظامی و صنعتی بود.

در این راستا بود که از «اشمیت»، سرمهندس و متخصص اسلحه و ماشین‌آلات، دعوت به عمل آمد که به ایران بیاید وی تشکیلات مطلوبی را برای صنایع نظامی طراحی کرد که تقریباً نیاز ارتش به جنگ‌افزارها و ملزومات لجستیکی را تأمین می‌نمود. اشمیت در طرح خود، تأسیس بخشهای زیر را طرح و پیشنهاد کرده بود: (۴۱)

۱- کارخانه بزرگ ماشین مختلف برای کلیه تعمیرات توپ و غیره.  
۲- کارخانه تفنگ‌سازی برای تهیه تفنگ و مسلسل طرز جدید و عموم تعمیرات راجع به آنها.

۳- کارخانه فشنگ‌سازی برای ساختن تمام فشنگهای لازمه قشون و نوار مسلسل.

۴- کارخانه باروت‌کوبی جهت ترکیب باروتهای جدید کم دود و اجزای شیمیایی.

۵- کارخانه ریخته‌گری و آهن ذوب‌کنی و فولادسازی برای تهیه گلوله توپ مثل «گرنار شرفیل» و نارنجکهای دستی.

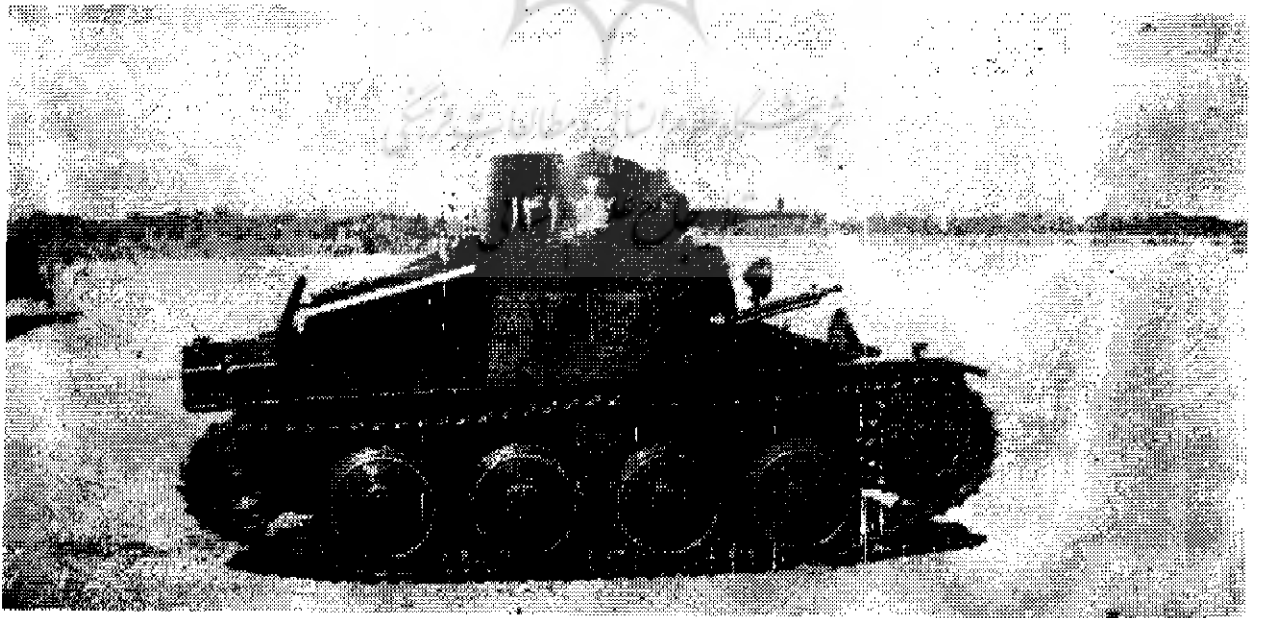
۶- کارخانه ارباب‌سازی دارای شعبات تعمیر اتومبیل، اژه کشی، بخاری با ماشین و سراجی به طرز جدید.

۷- کاخانه ایجاد قوه الکتریک.

۸- مدرسه فنی برای تربیت اسلحه‌سازان قابل و کارگر جهت آتیه قورخانه.

۹- (احداث) محل تیراندازی مطابق معمول اروپا برای امتحان تیراندازی تفنگ و مسلسل و توپ.

طرح تشکیلات جدید قورخانه به نظر کامل و مطابق شیوه اروپاییان



قورخانه قدیم و تکمیل بخشهای آن نیاز اساسی به متخصصان خارجی داشت، چه رسد به طرح اشعیت که اجرای آن مستلزم بهره‌گیری افزون‌تری از فن‌آوری کشورهای اروپایی بود.

طرح اشعیت، اساساً با توان اقتصادی، ساختارهای صنعتی، میزان مهارت نیروی انسانی، بودجه و ... سازگار نبود و نمی‌توانست در آن سو تحقق یابد. بنابراین «پس از مشورت با متخصصین اروپایی و از آن جمله مهندس اشعیت»<sup>(۴۲)</sup> طرح محدودتری پیشنهاد و در راستای اجرای آن «ماشین‌آلات و مصالح لازمه از آلمان» وارد شد.<sup>(۴۳)</sup>

بدین صورت بود که اداره قورخانه به آلمانها واگذار گردید که به سبک کارخانجات تسلیحاتی اروپایی آن را اداره کنند که البته در مرحله اداره آن



بود، و کاملاً موردپسند رضاشاه قرار گرفت. اما مشکلی که نوعاً «کاستی ساختاری» به‌شمار می‌رفت مانع از اجرای طرح مزبور شد. فقدان زیرساختهای صنعتی، توسعه‌نیافتگی اقتصادی و فنی، مشکلات مالی، نبود نیروی انسانی ماهر و ... جریان راه‌اندازی این بخشها را با وقفه روبه‌رو می‌ساخت. با آنکه در جهت رفع نواقص موجود اقداماتی صورت گرفت، نظیر استخدام پنج متخصص آلمانی در زمینه ریخته‌گری ماشین، ترمیم توپ و تفنگ و مسلسل و تهیه فشنگ، ولی وابستگی فن‌آوری و صنعتی تأسیس قورخانه‌ای را با چنین تشکیلاتی به کشورهای اروپایی کاملاً مشخص می‌نمود. در واقع ادامه کار و حفظ و نگهداری

به واسطه دلایل بسیاری مانند بحران بین ایران و آلمان وارد مرحله طرح و توسعه به واسطه نبود امکانات و زمینه‌های اساسی به حد مطلوب و مورد نظر درنیامد. طرح دقیقی که اشمیت پیشنهاد کرده بود به صورت زیر تغییر یافت:

- ۱- کارخانه اسلحه‌سازی و فنداق‌سازی ۸- سراجی
- ۲- چرخکاری ۹- آتش‌بازی
- ۳- سوهانکاری ۱۰- باروت‌کوبی
- ۴- ریخته‌گری ۱۱- فشنگ‌سازی
- ۵- حدادی ۱۲- نقاشی
- ۶- بخاری ۱۳- تعمیرات مسلسل
- ۷- شمیر و سرنیزه‌سازی ۱۴- رنگ‌کاری آلات اسلحه (۴۴)

با آنکه توبخت معتقد است که «حاصل کار اداره قورخانه که امروزه بزرگترین کارخانجات ایران محسوب می‌شود روه ترقی نهاده ... و اشیایی که سابقاً ساختن آنها در ایران غیر ممکن و از اروپا خریداری می‌شد. حالیه در خود قورخانه تهیه و از انتقال مالیه مملکت به خارج تا یک اندازه، جلوگیری به عمل می‌آید»<sup>(۴۵)</sup> اما با مقایسه طرح اشمیت و تغییری که در آن صورت گرفت درمی‌یابیم، با وجودی که صنایع تسلیحاتی ایران در مقایسه با سایر کارخانجات ایران پیشرفته‌تر بود ولی کاستهای اساسی که در بخشها مختلف داشت، حتی تا پایان دوره رضاشاه نیز از میان نرفت. مشخص نمودن میزان تخصیص بودجه خرید و ایجاد صنایع نظامی می‌توانست نکات مبهمی را در این زمینه روشن سازد ولی از آن جایی که هنوز اسناد نظامی این دوره قابل دسترسی نیست، و به جز مواردی کلی و پراکنده مدرکی وجود ندارد، پرداختن به آن را به فرصتی دیگر واگذار می‌نماییم.

مسأله سوم تربیت نیروی انسانی ماهر و متخصص در صنایع تسلیحاتی است. به عنوان نمونه می‌توان به تأسیس «آموزشگاه ستوانی فنی اسلحه‌سازی (تخشایی)» اشاره کرده که از اول مهرماه ۱۳۱۴ تأسیس و تا شهریور ۱۳۲۰ به فعالیت ادامه داد.

به هر تقدیر، ارتش ایران در طول دوره رضاشاه دارای ضعفهای لجستیکی و پشتیبانی نظامی و تسلیحاتی، حفظ و نگهداری و توسعه متناسب و همسوا صنایع مربوطه بود، یاریهای فنی و صنعتی آلمان هم نتوانست این کاستی را جبران کند. کاستی‌هایی نظیر:

الف - تأثیرپذیری جریان تسلیح و ایجاد صنایع نظامی ایران از رویدادهای سیاسی.

ب - عدم انطباق و سازگاری طرحهای توسعه، صنایع نظامی ارتش ایران با توانمندیهای اقتصادی و صنعتی.

پ - عدم تناسب رشد این صنایع با توسعه سایر بخشهای ارتش (نیروی دریایی و نیروی هوایی و ...).

ت - فقدان زیرساختهای اقتصادی برای جذب فن‌آوری نظامی.

ث - نبود نیروی انسانی متخصص.

ج - چندگونگی تشکیلاتی (اداری، سازمانی و ترکیب امرای نظامی) در ارتش.

ج - فقدان برنامه و سیاست مشخص برای تجهیز و تسلیح نیروهای نظامی.

ح - رقابت کشورهای تولیدکننده سلاح به ایران با یکدیگر و تحت تأثیر قرار گرفتن جریات تسلیح ارتش از آن و ... از جمله دلایلی بود که مانع از تحقق کامل تسلیح ارتش ایران توسط آلمان می‌گردید. جریانی که هیچ‌گاه در ایران درونزا نگردید و به دلیل فاصله بسیار اقتصادی و فن‌آوری نظامی، همواره سازمان و تشکیلات نظامی ایران را وابسته به کشورهای پیشرفته می‌نمود.

از سوی دیگر در رابطه با یکی از پرسش‌های مقاله باید گفت که اشغال ایران توسط نیروهای نظامی متفق در سوم شهریور ۱۳۲۰، متأثر از عوامل متعددی بود و نمی‌توان وابستگی تسلیحاتی ایران به دولت آلمان را بهانه اصلی حمله انگلستان و شوروی به ایران در نظر گرفت، زیرا کشورهای دیگری نظیر انگلستان، شوروی، چکسلواکی و فرانسه و ... در روند تسلیح ارتش ایران موثر بودند. اما نکته اینجاست که تکیه اصلی ارتش ایران به دولت آلمان بنیاد تسلیحات نظامی ایران در دوره رضاشاه را بر برنامه‌ریزی در زمینه خرید سلاح، استخدام مستشار نظامی، ایجاد صنایع نظامی دولت آلمان استوار ساخت. با این همه باید در نظر داشت که پیوستگی تسلیحاتی ایران و آلمان، خواه ناخواه دولت ایران را وارد برخی مناسبات سیاسی اروپا در دهه سی می‌ساخت که این تحولات قطعاً از تحمل دولت ایران خارج بود. همانطور که پیشتر ذکر شد، ارتش ایران دارای تشکیلاتی چند پارچه بود و حتی اصلاحات نظامی در این دوره نه تنها از هم‌گسیختگی دوره قاجار را سامان نبخشید بلکه کمابیش در امور خرید تسلیحات، آموزش نظامی، ایجاد صنایع نظامی و ... به کشورهای متعددی مراجعه می‌نمود.

خرید تسلیحات و ایجاد صنایع نظامی در دوره پهلوی اول، متأثر از جریان‌های سیاسی و روابط خارجی با سایر دول‌ها بود و با بروز تنش‌های سیاسی با یک کشور، این روند دستخوش تغییر یا توقف قرار می‌گرفت که این مسأله در مورد روابط دولت ایران و آلمان نیز مصداق می‌یابد. با این همه، حضور مستشاران نظامی آلمان، خریدهای تسلیحاتی ایران از این کشور، وجود جریان‌های «ژرمانوفیل» در ایران، بی‌تصمیمی دولت ایران در گرایش به دول متحد یا متفق و بسیاری عوامل دیگر دلایل مطرح شده برای حمله به ایران بودند. این در حالی بود که دولت آلمان هیچگاه کاملاً دولت رضاشاه را به لحاظ تسلیحاتی مورد حمایت جدی خود قرار نداد که پرداختن به این مطلب در حوزه روابط خارجی دو کشور موضوعیت می‌یابد.

1- Micheal P. Zirinsky, imperial power and dictatorship., Britain and the rise of REZA SHAH, 1921-1962, international journal of Middle east studies, vo 24, November 1922, No 4, p. 651.

۲ - ژرژ لجناسکی. روسیه و غرب در ایران، سی ساله رقابت. حورا یآوری. این سینا. ص ۱۹۱.

۳ - همان، همان صفحه.

۴ - خزانه سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۲۴۰/۱۰۶/۷/۹۰

۵ - خزانه سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۲۴۰/۱۰۶/۷/۹۱

۱۳۱۹- ص ۳۳.

۱۴- همان، همان صفحه.

15- Mahrad, Ibid.

16- Ibid, p 344.

۱۷- محمود دلفانی، «گزارشی از وضعیت صنایع و مؤسسات آموزشی فنی در ۱۳۱۵ ش»، فصلنامه گنجینه اسناد.

18- Ibid.

19- Ibid. P 347.

همچنین برای اطلاع بیشتر رکز به:

نشریه ایونینگ استاندارد در ۲۶ اکتبر ۱۹۳۱ (۳ آبان ۱۳۱۰) می‌نویسد، روابط سیاسی ایران و آلمان در معرض تهدید قرار گرفته و میرزا علی محمدخان فوزین وزیر مختار ایران در برلن از نماینده یکی از دولتهای خارجی تقاضا کرد که فقط منافع ایران را به عهده بگیرد. بر اثر اهانتی که در مطبوعات آلمان نسبت به فرمانروای ایران، رضاشاه پهلوی، شده روابط بین دو دولت تیره گردیده و رسانه‌هایی که ایرانیان را دعوت به انقلاب می‌کند انتشار یافته، رکز: فتح... نوری اسفندیاری، رستاخیر ایران، بی‌نا، ۱۳۵۵، ص ۵۴۶.

20- Ibid.

21- Ibid.

23- Ibid.

22- Ibid.

24- Ibid.

۲۵- سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۹۰/۵/۲۲۵/۲۴۰.

26- Ibid, 349.

۲۷- «اجمالی از تاریخ...»، همان، ص ۳۳۰.

۲۸- порохог، قاین، کشتی (به زبان روسی).

۲۹- سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۱/۴۹۰/۴/۲۹۰.

۳۰- سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۲/۶۷/۱۴۷/۲۴۰.

۳۱- سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۲/۷۱/۱۴۷/۲۴۰.

۳۲- همان، ص ۳۴.

33- Donald. N. Wilber, Riza SHAH PAHLAVI. the resurrection and reconstruction of Iran, 1878-1944. U.S.A, 1975.P.253.

۳۴- سرتیپ علیقلی بیگلریور و دیگران، تاریخ ارتش نوین ایران (بخش نخست از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ ش. تهران)، ستاد بزرگ ارتشداران، اداره سوم، چاپخانه ارتش، بی‌نا، ۱۳۲۲.

۳۵- رضا رئیس طوسی، «ارتش ایران ۱۲۵۹-۱۲۸۸ ش»، ترجمه حسنعلی نودری، به نقل از تاریخ معاصر ایران، کتاب دوم، مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی، ۱۳۶۹، ص ۱۰۶.

۳۶- همان، همان صفحه.

۳۷- بیگلریور و دیگران، همان، ص ۱۳۳.

۳۸- همان، ص ۱۴۲.

۳۹- رضاشاه کبیر، ص ۶۱۹.

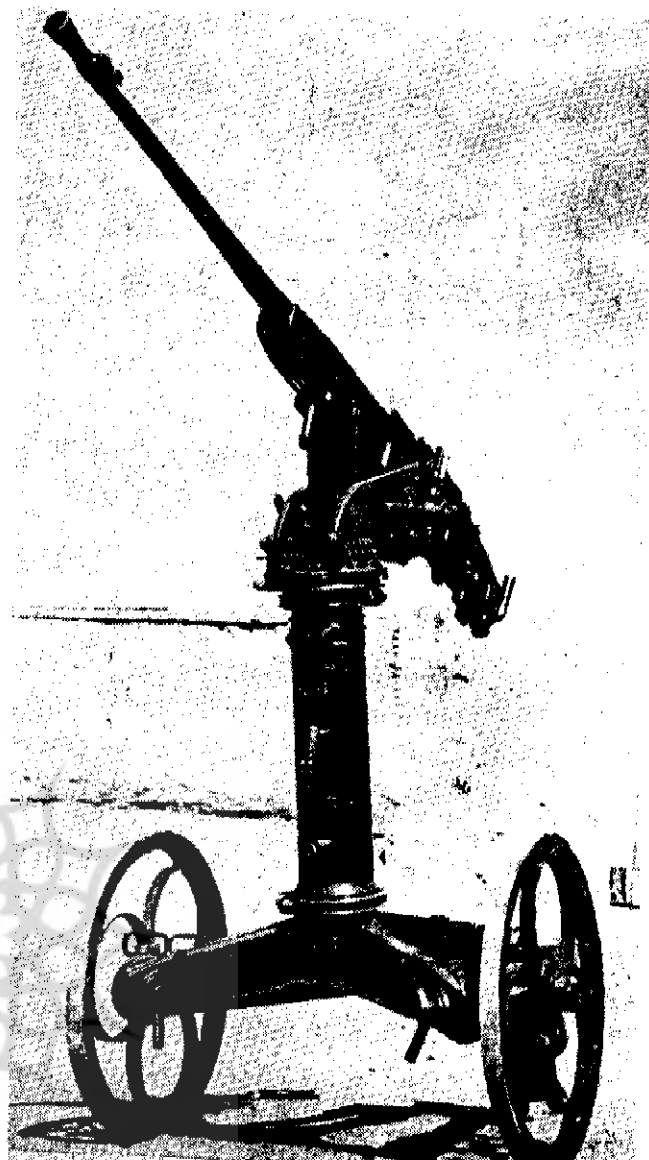
۴۰- بیگلریور و دیگران، همان، ص ۱۴۳.

۴۱- نوبخت، شاهنشاه پهلوی. مطبعه مجلس، ۱۳۴۲ ق. ص ۲۰۲، بیگلریور و دیگران، همان، ص ۱۳۵.

۴۲- همان، همان صفحه.

۴۳- همان، همان صفحه.

۴۴- همان، پیشین.



۶- خزانه سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۱۰/۷/۱۰۶/۲۴۰.

۷- در سالهای ۱۴-۱۹۱۳ ایران مقداری مهمات و ادوات جنگی از آلمان خریداری کرد به واسطه جنگ جهانی و مسدود بودن راه ارسال آن از روسیه می‌گذشت. این تسلیحات به ایران رسید و تنها پس از یک دهه در سال ۱۹۲۳ ایران، با توافق شوروی، آنها را وارد کرد.

8- Ahmad Mahrad, Die deutsch - Persischen Ezienhungen, Von 1918-1933, UBERRARB, AUFL. Frankfort AM MAIN, Bern, lasvegas: long 1929, p. 340.

۹- ژرژ لچافسکی، همان، همان صفحه.

10- Mahrad, Ibid, P 341.

11- Ibid. P 342.

12- Ibid.

۱۳- «اجمالی از تاریخ دوره زمامداری رضاشاه از سوم اسفند ۱۲۹۹ تا سوم شهریورماه ۱۳۲۰»، نشریه قسمت تبلیغات و انتشارات شهربانی کل کشور، اردیبهشت